علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۸۹ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۴، ص ۶۶-۷۹

تعارض ایمان به خدا و ایمان به مؤمنان در آیه ۶۱ توبه، رهیافت‌ها و نظریه معیار

محمدعلی علیپور[۱] / علی جلائیان اکبرنیا[۲]

چکیده: ایمان به خدا با ایمان به مردم در آیه‌ی «یُؤْمِنُ بِاللهِ وَ یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنین» مشعر به تعارض است. این آیه گزارشی از حال پیامبر اعظمn است، ولی دقیق مشخص نیست که مراد از ایمان به مردم چیست و چه نسبتی با ایمان به خدا دارد. آیات و روایات انحصارِ ایمان به خدا را سفارش می‌کنند لذا معنای ایمان به مردم در این آیه قابل تأمل است. گرچه تفاسیر به تبیین آیه پرداخته‌اند ولی به تبیین تعارض ایمان به خدا و ایمان به مردم نپرداخته‌اند. این پژوهش تلاش دارد این تعارض را به روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از روایات و تفاسیر به شیوه کتابخانه‌ای بررسی کند. دستاورد مقاله این است که «یُؤْمِنُ بِاللهِ» یعنی ایمان قلبی به خدای متعال و «یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنین» دلالت بر خضوع پیامبر ﷺ به مؤمنان دارد. این پژوهش نشان می‌دهد که در مدیریت جوامع اسلامی، می‌توان ضمن حفظ اولویت باورهای دینی، با احترام به مردم از مشارکت آنان در تحقق اهداف متعالی بهره‌برد و بر همین اساس به نصرت الهی دستیافت. در نتیجه، مطالعه این تعارض می‌تواند به توسعه نظریه‌های جدید در جامعه‌شناسی دینی و مدیریت اسلامی کمک کند.

واژگان کلیدی: ایمان، خدا، مؤمنان، اعتماد به مردم، سرمایه اجتماعی

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵.

۱. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه خراسان.
۲. عضو گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

شأن نزول آیه ۶۱ سوره توبه درباره‌ی گروهی از منافقان است که درباره‌ی پیامبر ﷺ سخنان ناشایست می‌گفتند که محمد [صلی الله علیه و آله] آدم خوش‌باوری است که هر کس هرچه بگوید، می‌پذیرد. از این آیه استفاده می‌شود که پیامبر ﷺ دو برنامه داشت: نخست، خضوع و تواضع در جامعه ایمانی و گوش دادن به سخنان دیگران و گاه تصدیق ظاهری آنان. دوم، برنامه عملی که در این مرحله تنها به فرمان‌های الهی و پیشنهادهای مؤمنان راستین توجه می‌کرد. (ر.ک:رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۲۳۵) «وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

هدف این پژوهش این است که با بررسی آیه، معنای دقیق و کاربردی ایمان به مردم را شفاف‌سازی کرده و نسبت این ایمان به مردم را با ایمان به خداوند مشخص کند. ضرورت پژوهش در بررسی رابطه بین ایمان به خدا و ایمان به مردم در آیه «يُؤمِنُ بِاللهِ وَ يُؤمِنُ لِلمُؤمِنين» ناشی از نیاز به درک عمیق‌تر از چگونگی ارتباط میان باورهای دینی و مشارکت اجتماعی است.

سوال اصلی مقاله این است که چگونه می‌توان تعارض میان ایمان به خدا و ایمان به مردم را در فراز آیه «يُؤمِنُ بِاللهِ وَ يُؤمِنُ لِلمُؤمِنين» تحلیل کرد و معنای دقیق ایمان به مؤمنین را مشخص ساخت؟ سوالات فرعی پژوهش درصدد جواب به این سوالات است که در تفاسیر موجود چه نظریاتی در مورد ایمان به مردم وجود دارد و ادله‌ی آنها چیست؟ و کدامیک از این نظرات صحیح به نظر می‌رسد؟

پیشینه

بر اساس جستجوی‌های انجام شده در هیچ یک از مکتوبات مسئله «تعارض ایمان به خدا و ایمان به مؤمنان در آیه ۶۱ توبه، رهیافت‌ها و نظریه معیار» یافت نشده است. پژوهش‌های انجام گرفته درباره این آیه بیشتر عناوینی مانند «بازخوانی ادبی آیه ۶۱ توبه با تاکید بر فراز «قل اذن خیر لکم» همراه با نقد ترجمه‌ها» و «آثار و برکات اُذُن بودن بر

اساس آیه ۶۱ سوره توبه» و «تفسیر قرآن مجید/ سوره توبه/ آیه‌های ۶۱-۶۶/ خوش بینی» و «بررسی دیدگاه‌های مفسران فریقین ذیل آیه ۶۱ سوره» را دربر می‌گیرد. شاید نزدیک‌ترین پژوهش که می‌تواند هم‌ردیف پژوهش حاضر باشد، نوشته‌ای از با عنوان «اعتماد دولت به مردم: حلقه مفقوده در فرایند مشارکت شهروندی در اجرای خط مشی‌های عمومی» است که توسط مهرداد بیات در مجله مطالعات قدرت نرم در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است. ایشان درباره «اعتماد و ایمان به مردم» بر این باور است که اعتماد سازمانها و مدیران به مردم، به ارتقا و بهبود سطح همکاری دولت و ملت می‌انجامد و حکمرانی مشارکتی واقعی، بدون اعتماد دولت به شهروندان امکان پذیر نخواهد بود. اما مقاله‌ی پیشرو درصدد است تا با تکیه بر مبانی قرآنی و روایی، تعارض بین ایمان به خدا و ایمان به مردم را در آیه ۶۱ سوره توبه تحلیل کند و نظریه‌ی معیار را در مورد ایمان به مؤمنان، با ذکر ادله‌ی آن تبیین نماید.

مفهوم شناسی و تبیین آیه

ایمان در لغت

ایمان از «أمن» به معنای آرامش، ضد خوف اخذ شده (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۸۸) و در اصل به معنای آرامش و اطمینان نفس و زوال خوف است. (زبیدی، ۱۳۹۱، ج ۱۸، ص ۲۴) (ازهری، ۱۳۸۲، ج ۱۵، ص ۵۱۵) اطمینان (طُمَأنینه) در برابر ترس و بیمی که ویژگی زندگی عرب پیش از اسلام بود. (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۶۷۷)

ایمان ضد کفر و به معنای تصدیق شخص و ضد تکذیب است برخی ایمان را به معنای اعتماد، تکیه و وثوق گرفته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۱) از همین معنا، واژه‌های أمانه (ضد خیانت) و ائتمان ریشه می‌گیرند. این معنا معمولاً با مفاهیمی مانند ادای امانت، امانت‌داری یا خیانت همراه می‌شود.

ایمان گاهی به معنای قبول و تصدیق شریعت است که با پذیرش قلبی، اقرار به زبان و عمل با ارکان تحقق پیدا می‌کند لذا به اعتقاد، گفتار صدق و عمل صالح ایمان گفته می‌شود. (زبیدی، ۱۳۹۱، ج ۱۸، ص ۲۵)

ایمان گاهی به معنای اظهار خضوع است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۶، ص ۲۳۱) حیانی گفته است: رجل أَمَنه، به کسی گفته می‌شود که آنچه را می‌شنود نه تصدیق می‌کند و نه تکذیب. (زبیدی، ۱۳۹۱، ج ۱۸، ص ۲۴)

ایمان در اصطلاح

ایمان در اصطلاح مفسران از جهتی معرفت و شناخت قلبی و از سویی گفتار زبانی و از جهت دیگر رفتار و عمل خارجی است. عمل براساس باورهای قلبی و مطابق با گفتار توسط اعضا و جوارح. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۶) (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۹۳) (طوسی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۵) (فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۸) (طبری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۰) زمانی که ایمان به فرد نسبت داده و گفته شود شخص مؤمن است یعنی به خدا و به رسول و آنچه از سوی پیامبر آمده شناخت و معرفت دارد. (فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۸)

کاربردهای قرآنی «أمن» با حروف جر

امن در کاربرد قرآنی با حرف با، لام، علی و من استعمال شده است.

* ایمان اگر با «ب» متعدی شود به معنای تصدیق و وثوق کامل به شخص است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۸۵) و بیشتر درباره خداوند به کار می‌رود. مانند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ» حجرات/۱۵، مؤمنان فقط کسانی اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند، آن گاه [در حقّانیّت آنچه به آن ایمان آورده اند] شک ننموده و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد کرده اند؛ اینان [در گفتار و کردار] اهل صدق و راستی‌اند. اگر مومن این صفات را داشته باشد مومن است و الا مومن نیست. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۴)

* امن، اگر با «ل» متعدی شود به معنای تصدیق از سر خضوع آمده است، لذا آیه «وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ» به معنای عدم تصدیق و نپذیرفتن سخن فرزندان یعقوب از سوی پدر است. (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۵۰۶)

* امن اگر با واژه «علی» به کار رود به معنای اعتماد است. در آیه ۱۱ سوره یوسف به نقل

از برادران حضرت یوسف علیه‌السلام می‌فرماید: (قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ)[۱] (لویس معلوف، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸)

* امن با «من» نیز متعدی می‌شود و به معنای امنیت است. که قرآن کریم آن را نعمتی الهی دانسته و با نعمت غذا خوردن برابر شمرده است، چنان‌که می‌فرماید: «اَلَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۶۷۷) امن به این معنا در آیه ذیل نیز به کار رفته است «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ» اینجا امن به معنای امنیت است یعنی در پی امنیتی که به وجود آمده بود شما را خوابی سبک فرا گرفت که آن خوابِ با امنیت، آرامش ایجاد کرد. طبری در توضیح آیه می‌گوید: «أَمَانًا مِنَ اللَّهِ لَكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ أَنْ يَغْلِبَكُمْ، و كذلك النُّعَاسُ فِي الْحَرْبِ أَمَنَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ و جلّ.» (طبری، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۵۹) امنیتی از جانب خداوند برای شما در برابر دشمنتان است تا بر شما غلبه نیابد و امان یافتن از سمت خدا و امنیت از آسیب دشمن.

* امن در صورتی که به باب استفعال رفته باشد هر چند در قرآن به کار نرفته است ولی اگر با «إلی» متعدی شود به معنای امنیت است. «استأمن الیه» یعنی امنیت یافت. (فیومی، ۱۴۱۴، ص ۲۴) در این صورت باب استفعال به معنای مطاوعه و پذیرش فعل آمده است. (طباطبایی سید محمد رضا، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰)

تبیین سیاق آیه ۶۱ توبه

این آیه درباره گروهی از منافقان نازل شده، که گردهم آمده و سخنان ناهنجار، درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌گفتند. (زکی زاده رنانی علیرضا، ۱۳۹۷، ص ۳) برخی مراد از آیه را بعض از مؤمنین ضعیف الایمان دانسته‌اند که قعود کردند از خروج به غزوه براي جهاد، پس از مراجعت خدمت حضرت شرفیاب شدند و اعذاري براي ترك خروج اظهار کردند. (طیب سیدعبدالحسین، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۲۵۲)

پس از این آیه نازل شد و به آنها پاسخ گفت‌که از آنها کسانی هستند که پیامبر را

۱. در کتابهای پیش از المنجد این معنا گزارش نشده است. آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی – فارسی، نی، ۱۳۹۱، ص ۲۸.

آزار می‌دهند و می‌گویند: «او آدم خوش‌باوری است!» بگو: «خوش‌باور بودن او به نفع شماست! (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد؛ و در مقابل مؤمنان را از سر خضوع تصدیق می‌کند؛ و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند!» و آنها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند! البته برخی گفته‌اند که نام «اذن» را به این دلیل بر حضرت بنا نهاده‌اند که با امام علی علیه‌السلام زیاد ملازمت داشته‌اند. (حویزی، ابن جمعه، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۳۶) (بحرانی، هاشم، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۸۰۴)

قرآن بیان می‌کند که اگر پیامبر گوش به سخنان شما فرا می‌دهد این به نفع شماست»! تعبیر «اذن خیز» اضافه موصوف به صفت است که بر زیبایی کلام می‌افزاید. (مصلایی پور یزدی عباس، ۱۴۰۱، ص ۲۲) برخی از قرائت‌ها تعبیر «اذن خیر» به صورت منوّن و مرفوع خوانده شده است. (فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۶۵)

سپس برای این که عیب جویان از این سخن سوء استفاده نکنند، و آن را دستاویز قرار ندهند، چنین اضافه می‌کند: «او به خدا و فرمانهای او ایمان دارد، و سخنان مؤمنان را می‌شنود.» (يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ). تنها چیزی که در اینجا باقی می‌ماند این است که نباید آنها که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را با این سخنان خود ناراحت می‌کنند و از او عیب جویی می‌نمایند، تصور کنند که بدون مجازات خواهند ماند. لذا در پایان آیه می‌فرماید: «آنها که به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آزار می‌رسانند عذابی دردناک دارند» (وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيم). (ر.ک:مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۴)

نظرات مفسران پیرامون آیه ۶۱ سوره توبه

بر اساس محتوای آیه، بخشی از سبک حکمرانی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله مورد توجه قرار گرفته و خط مشی رسالت ایشان با تعبیر «یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین» تبیین شده است. مفسران در تفسیر «یؤمن بالله» اتفاق‌نظر دارند، اما درباره تفسیر «یؤمن للمؤمنین» دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه کرده‌اند.

تکرار یومن و متعدی شدن آن با ب و لام نشان از تفاوت این دو تعبیر دارد. در یومن بالله متعلق و موضوع ایمان روشن است. که ایمان به خدا باشد ولی در یمومن للمومنین

لام می‌فهماند که پیامبر امری به نفع مومنان را انجام داده است. که باید از قرائن مشخص شود چیست؟

۱.«یؤمن للمؤمنین» یعنی اعتماد به مؤمنان

معنای دیگری که برخی از مفسران برای یومن للمومنین بیان کرده‌اند اعتماد و اطمینان است. یعنی او به آن‌ها اطمینان می‌کند و به آن‌ها اعتماد دارد، زیرا می‌داند که ایمان راستینی دارند که آنان را از دروغ، دورویی و ریاکاری مصون می‌دارد. (سید قطب، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۶۷۰)

«یُؤمِنُ لِلمُؤمِنین» همان «یؤمن بالمؤمنین» است. «ایمان»، در استعمالات قرآن کریم، با لام متعدّی شده؛ مثلاً «فَآمَنَ لَهُ لوط». «یُؤمِنُ لِلمُؤمِنین» یعنی اعتماد به مردم، اعتقاد به مردم. (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲/۰۳/۱۴)

شنیدن از مؤمنین یعنی تسلیم آنها بودن. (حویزی، ابن جمعه، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۳۱۱) (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۹۹) (حقی بروسوی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۴۵۶)

۲.«یؤمن للمؤمنین» یعنی تصدیق خبر

لام در «للمؤمنین» مربوط به هر دو «یؤمن» است یعنی به نفع شما هم حرف خدا را قبول دارد و هم حرف مؤمنان را، «مؤمنین» بطور تغلیب شامل منافقان نیز می‌شود، متعلّق «یؤمن» دوم محذوف است یعنی: «یؤمن بقول القائلین لنفع المؤمنین» خلاصهٔ معنی چنین می‌شود: بگو اذن خوبی است برای شما زیرا به گفتهٔ خدا ایمان می‌آورد و قبول دارد و آن به نفع شماست و نیز به گفتهٔ مؤمنان گوش می‌دهد و حمل به صحت می‌کند تا نفعی به مؤمنان برسد ولی در مقام عمل و پیاده کردن مسائل فقط برای مؤمنان واقعی رحمت است. (فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۶۶) (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۷۸) (قرشی بنابی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۴)

لأن معنى يؤمن يصدق فعدي باللام كما عدي مصدقا به في نحو قوله مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ و قيل إنما دخلت اللام للفرق بين إيمان التصديق و إيمان الأمان. (فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۶۵) و الإيمان للمؤمنين تصديقهم في ما يخبرونه. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۳۳) معناه و يصدق المؤمنين. (طوسی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۲۴۶)

یصدق المؤمنین فیما بینهم في شهاداتهم و ایمانهم. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۳۳) (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۵۳) یَقُولُ: یُصَدِّقُ اَللَّهَ وَ یُصَدِّقُ اَلْمُؤْمِنِینَ، فَإِذَا شَهِدَ عِنْدَكَ اَلْمُؤْمِنُونَ فَصَدِّقْهُمْ. (بحرانی، هاشم، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۸۰۳) یُصَدِّقُ اَللَّهَ وَ یُصَدِّقُ لِلْمُؤْمِنِینَ، فَإِذَا شَهِدَ عِنْدَكَ اَلْمُؤْمِنُونَ فَصَدِّقْهُمْ. (حویزی، ابن جمعه، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۳۶) یعنی یصدق بالله، و یصدق المؤمنین. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۷۸)

۳.«یؤمن للمؤمنین» یعنی تصدیق مخبر

اولین معنایی که مفسران در معنای یومن للمومنین بیان کرده اند تصدیق است. موضوع ایمان در جمله «یُؤْمِنُ بِاللهِ» ذکر شده است. اما درباره جمله «وَیُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ»، موضوع (متعلق) آن ذکر نشده است، بلکه گفته شده که این تصدیق برای نفع مؤمنین است به خاطر وجود «لام». و تصدیقی که نفع مؤمنین در آن است، حتی در خبری که ضرری برای آنان دارد، همان تصدیق به معنای دادن صداقت به مخبر است، نه به خبر. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۳۱۴)

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مرحله اول به سخنان همه گوش فرا می‌دهد، و ظاهرا انکار نمی‌کند، ولی در مقام عمل تنها توجه او به فرمانهای خدا و پیشنهادها و سخنان مؤمنان راستین است، و یك رهبر واقع‌بین باید چنین باشد، و تامین منافع جامعه جز از این راه ممکن نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۴)

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گفته‌های آنان را که با شرع سازگار است، تصدیق می‌کند زیرا آنان کسانی هستند که او را اطاعت کردند و از نوری که با او نازل شد، پیروی کردند؛ بنابراین، آنان شایسته تصدیق و پذیرش هستند. (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۶، ص ۳۳۲)

۴.«یؤمن للمؤمنین» یعنی خضوع

ایمان در این آیه با دو حرف متعدی شده است: یکی با حرف «باء» برای ایمان به خداوند تعالی که معنای امنیت در برابر کفر و صداقت در برابر دروغ را می‌رساند؛ دیگری با حرف «لام» برای ایمان به مؤمنین که اشاره به وابستگی، تمایل و تسلیم در برابر مؤمنان

دارد. این نوع دوم ایمان زمانی دیده می‌شود که قرآن می‌گوید «فَآمَنُوا لهُ» یا «فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِن قَوْمِهِ» و موارد مشابه، که نشان‌دهنده خضوع به مؤمنان است. این نوع ایمان مختص به رابطه انسان‌ها با یکدیگر است و در ایمان به خداوند، ایمان باید خالص و بدون وابستگی‌های انسانی باشد و تنها می‌بایست به مؤمنین راستگو وابسته باشد، نه منافقین و دروغگویان. (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۵۰۹) (رشید رضا، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۵۱۸)

این لفظ شامل معنی خضوع آمیخته با امر است، و این معنا برای مؤمنان به عنوان مؤمنان یا آنچه که برای آنها مناسب است، صورت می‌گیرد. (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۵۱۰) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۳۱۴)

نظریه معیار

در آیه ۶۱ سوره توبه، عبارت «يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» به کار رفته که از جنبه‌های زبانی و محتوایی، معنای خاصی را به تصویر می‌کشد. بر اساس سیاق این آیات و بررسی‌های واژه‌شناختی، معنای «خضوع» برای این عبارت بیشتر ترجیح داده می‌شود.

از دیدگاه واژه‌شناختی، ترکیب «آمن له» در زبان عربی به معنای خضوع است. در بررسی دقیق‌تر، این ترکیب بر پذیرش، اعتماد و تواضع در برابر سخن و رفتار طرف مقابل دلالت دارد. بنابراین، در آیه مورد نظر، «يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» به معنای خضوع و پذیرش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت به مؤمنان تفسیر می‌شود که با معنای لغوی این ترکیب در زبان عربی همخوانی دارد.

تفاوت امن له و امن به

فرق بین «امن له» و «امن به» در این است که امن به، برای ایمان تصدیقی است و امن له برای ایمان مبتنی بر اعتماد است.

اگر بپرسی: چرا فعل «ایمان» نسبت به خداوند با باء («یؤمن بالله») و نسبت به مؤمنان با لام («یؤمن للمؤمنین») به کار رفته است؟ می‌گویم: زیرا مقصود از «ایمان به خدا» تصدیق عقیده‌ای است که نقطه‌ی مقابل کفر به اوست، و از این‌رو با باء به کار می‌رود. اما مقصود از «ایمان به مؤمنان» شنیدن سخنان آنان و پذیرفتن و تصدیق گفتارشان است، چون نزد پیامبر، آنان انسان‌هایی راستگو محسوب می‌شوند؛ از این‌رو این تعبیر با لام آمده است.

پیامبر ﷺ قصدش این بود که سخنان مؤمنان را بشنود. او سخن‌شان را می‌پذیرفت و تصدیق می‌کرد، چون آنان را نزد خود صادق می‌دانست. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۸۵)

قالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ.طه: ۷۱، و الشّعراء: ۴۹ قالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ.الأعراف: ۱۲۳ و درباره تفاوت میان «باء» و «لام» (در تعبیر «آمن به» و «آمن له») گفته شده که ضمیر در «به» به «ربّ‌العالمین» برمی‌گردد، و در «له» به «موسی». پس دو آیه بر اساس عرف قرآنی جاری‌اند؛ یعنی «ایمان به خدا» به معنای ایمان در برابر کفر است، و «ایمان برای غیر خدا» (با لام) به معنای پیروی، یا «به خاطر» اوست. و این معنا ایرادی ندارد، جز اینکه به نوعی تفاوت در معنای آیات منجر می‌شود. (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۷۰۲)

جالب است که قرآن نسبت به پیامبر ﷺ می‌فرماید ایشان اگر با منافقان نیز صحبت کنند به حرف آنان گوش می‌کند. «وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِم»، «ويصدّق في الدّرجة الثّانية تصديق ائتمان و جنوح للمؤمنين الصّادقي الإيمان» (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۵۰۹) او مؤمنان راستین از مهاجران و انصار را نیز تصدیق می‌کند، تصدیقی که از سر اعتماد و تمایل قلبی است؛ همان مؤمنانی که صداقت خود را با جهاد در راه خدا با جان و مالشان در کنار پیامبر ثابت کرده‌اند. پس او اخبارشان را نه به صرف شنیدن، بلکه به دلیل نشانه‌ها و علائمی که از ایمان آنان دیده و شناخته است تصدیق می‌کند؛ و به‌ویژه آن اخباری را که آنان با او در میان می‌گذارند، به سبب قراین صدق و نشانه‌های ایمانی که در آنها یافته، باور دارد.

ایمان با لام به معنای خضوع: «و در مرتبه دوم، تصدیق به معنای اطمینان و گرایش به سوی مؤمنانِ راست‌گویِ در ایمان است.» «و گاهی گفته می‌شود که این لفظ (ایمان با لام) از نظر زبانی از راه تضمین آمده است؛ به این معنا که "ایمان" دارای معنای "جنوح" (تمایل و گرایش) شده است که با "لام" به کار می‌رود، و معنای جمله این می‌شود که: به سوی مؤمنان گرایش می‌یابد در حالی که به آنان ایمان دارد، یا با ایمان به آنان، به سوی‌شان تمایل می‌کند.» (رشید رضا، ج ۱۰، ص ۴۷)

ایمان، یعنی اذعان و تصدیق. گفته می‌شود: آمن به و له إیماناً، یعنی باور آورد و تصدیق کرد. اصل آن همان امنیت درونی است، و در برابر کفر قرار دارد. این معنا در قرآن کریم با ساختارها و تعبیرهای گوناگونی بیان شده است. (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۶۷۹)

و حقیقت این است که متعلق حرف «لام» در تمام آیات، غیر از «الله» است همان‌گونه که زمخشری گفته و در هیچ‌یک از آن‌ها «الله» متعلق لام نیست. و چنین چیزی (یعنی این نوع تعبیر) باید دارای رازی باشد. چیزی جز این به ذهن نمی‌رسد که معنای آن پیروی، تسلیم، یا تمایل و خضوع، یا اعتماد و اطمینان باشد. و این معنا در آیه «الأذن» به‌صورت قطعی متعین است؛ چراکه پیروی یا تسلیم یا گرایش پیامبر به مؤمنان، بلکه حتی اعتماد او به گفته‌های آنان، معنایی ندارد جز اظهار اعتماد، مدارا با آنان و جلب دل‌هایشان. و ما نیز آیه را به همین صورت تفسیر کردیم. همچنین، ایمان به خدا نیز جز اذعان به او و صفاتش معنایی ندارد؛ و در این معنا پیامبران، رسولان، فرشتگان و امثال آنان شریک‌اند، اما صرف این معنا برای ما دلیل متمایز و قانع‌کننده‌ای نیست؛ پس باید در پی وجه و معنای دیگری گشت. (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۷۰۱)

«مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُف» تو را چه شده که ما را نسبت به یوسف امین نمی‌دانی؟ «أي ما لك لا تثق بنا و لا تعتمدنا في أمر يوسف» (فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۲۵) از این روی برای اعتماد باید بسترهای لازم فراهم باشد. در غیر این صورت اعتماد تحقق پیدا نمی‌کند. لذا ابن عاشور می‌گوید: و حرف «عَلَى» در «لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ» نشان‌دهنده سلطه یا اشراف است؛ یعنی امنیتی که بر چیزی اعمال می‌شود. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۲۸)

«ایمان به خدا» یا به معنای معروف آن است (یعنی باور و اعتقاد قلبی)، یا به معنای اعتماد و اطمینان به او. اما «ایمان برای مؤمنان» یعنی اظهار چیزی که به نفع آن‌هاست و پذیرفتن سخن آنان در ظاهر؛ پس «لام» در اینجا برای بیان نفع و سود است. این چیزی است که به ذهن می‌رسد. (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۷۰۱)

«گاه گفته شده است که: این تعبیر (يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) از باب استعمال لفظ به شیوه‌ی

تضمین است؛ به این معنا که واژه‌ی «ایمان» در اینجا معنای «جُنوح» (تمایل و گرایش قلبی) را در خود گنجانده که با حرف «لام» به کار می‌رود. بنابراین، معنای عبارت چنین می‌شود: پیامبر به سوی مؤمنان گرایش دارد در حالی که به آنان ایمان دارد، یا: با تمایل و اعتماد به مؤمنان، به آنان ایمان می‌آورد.» (واعظ زاده، محمد، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۵۱۰)

نتیجه

نتیجه‌گیری این پژوهش نشان می‌دهد که آیه «يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» با وجود ظاهر تعارض‌آمیز بین ایمان به خدا و ایمان به مردم، در واقع نشان‌دهنده دو جنبه متفاوت از نقش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. ایمان به خداوند نشان‌دهنده باور قلبی و تعهد به اصول دینی است، در حالی که ایمان به مؤمنان به معنای احترام و خضوع نسبت به جامعه‌ی مؤمنان است. این پژوهش با تحلیل روایات و تفاسیر به این نتیجه می‌رسد که می‌توان با حفظ اولویت ایمان و باورهای دینی، به تعامل و مشارکت مؤمنان در جوامع اسلامی اهمیت داد. این بینش می‌تواند به توسعه نظریه‌های جدید در زمینه جامعه‌شناسی دینی و مدیریت اسلامی کمک کند و نشان دهد که چگونه می‌توان در جوامع اسلامی تعادل میان ایمان دینی و مشارکت اجتماعی را برقرار کرد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵). **روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني**. دار الكتب العلمية.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸). **لسان العرب**. دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع | دار صادر.

ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). **عيون أخبار الرضا عليه السلام**. علميه اسلاميه.

ابن‌عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰). **تفسير التحرير و التنوير المعروف بتفسير ابن عاشور**. مؤسسة التاريخ العربي.

ازهری، محمد بن احمد. (۱۳۸۲). **تهذيب اللغة**. (فاطمه محمد اصلان، عبد الكريم حامد، و عمر سلامی، پدیدآورندگان). دار إحياء التراث العربي.

امید مسعود. (بی‌تا). اخلاق و الهیّات در غرب و نزد متفکران معاصر ایران. **معرفت**.

بحرانی، هاشم. (۱۳۹۹). **البرهان في تفسير القرآن**. مؤسسة البعثة. مركز الطباعة و النشر.

جعفری محمد تقی. (۱۳۶۲). **تفسیر نهج‌البلاغه**. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جوادی آملی. (بی‌تا). **تبیین براهین اثبات خدا**. اسراء.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). **تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة**. (محمدرضا حسینی جلالی و مؤسسة آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، پدیدآورندگان). مؤسسة آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.

حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی. (۱۴۰۰). **تفسیر روح البیان**. دار الفکر.

حویزی، ابن جمعه. (۱۳۸۳). **تفسیر نور الثقلین**. اسماعیلیان.

خان زاده، رویا. (۱۳۸۶). تواضع پیامبر در برخورد با مردم. **بشارت**.

خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). **العین**. (محسن آل‌عصفور، ابراهیم سامرائی، و مهدی مخزومی، پدیدآورندگان). مؤسسة دار الهجرة.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). **مفردات ألفاظ القرآن**. (صفوان عدنان داوودی، پدیدآور). دار الشامیة | دار القلم.

رشید رضا. (۱۳۷۵). **تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار**. دار المعرفة.

رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷). **تفسیر قرآن مهر**. پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.

زبیدی، مرتضی. (۱۳۹۱). **تاج العروس من جواهر القاموس**. دار الفکر.

زکی زاده رنانی علیرضا. (۱۳۹۷). بررسی دیدگاه‌های مفسران فریقین ذیل آیه ۶۱ سوره توبه. **مطالعات قرآنی**.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). **الکشاف**. دار الکتاب العربي.

سید قطب. (۱۳۹۴). **في ظلال القرآن**. دار الشروق | دار الشروق.

سیوطی. (۱۴۰۴). **الدر المنثور في التفسیر بالمأثور**. مکتبة آیة الله العظمی المرعشي النجفي (ره).

طباطبایی سید محمد رضا. (۱۳۸۵). **صرف ساده**. داالعلم.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰). **المیزان في تفسیر القرآن**. مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). **مکارم الأخلاق**. الشریف الرضي.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان**. (هاشم رسولی و فضل‌الله یزدی طباطبایی، پدیدآورندگان). دار المعرفة.

طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۹). **جامع البیان في تفسیر القرآن**. دار المعرفة.

طنطاوی، محمد سید. (۱۹۹۷). **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**. نهضة مصر.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۹). **التبیان في تفسیر القرآن**. (محمدمحسن آقابزرگ تهرانی و احمد حبیب عاملی، پدیدآورندگان). دار إحیاء التراث العربي.

طیب سیدعبدالحسین. (۱۳۸۷). **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**. سبطین.

عرب، مریم. (۱۳۹۴). نگاه انتقادی نیچه به جایگاه اخلاق در تمدن غرب. **غرب شناسی**.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). **تفسیر العیّاشي**. (هاشم رسولی، پدیدآور). مکتبة العلمیة الاسلامیة.

فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴). **المصباح المنیر في غریب الشرح الکبیر للرافعي**. مؤسسة دار الهجرة.

قرشی بنابی، علی‌اکبر. (۱۳۷۸). **قاموس قرآن**. دار الکتب الإسلامیة.
قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). **الجامع لأحکام القرآن**. ناصر خسرو.
قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۸۶). **تفسیر القمي**. (طیب جزایری و طیب جزایری، پدیدآورندگان). دار الکتاب | مکتبة الهدی.
کراجکی، محمد بن علی. (۱۳۵۳). **معدن الجواهر و ریاضة الخواطر**. مکتبة المرتضویة.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). **أصول کافي**. (محمود کتابچی، پدیدآور، هاشم رسولی و جواد مصطفوی، مترجمان). کتابفروشی علمیه اسلامیه.
لویس معلوف. (۱۳۸۰). **المنجد**. ذوی القربی.
مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). **بحار الانوار**. دار إحیاء التراث العربي.
محمدی اشتهاردی محمد. (۱۳۷۸). تواضع و فروتنی. **پاسدار اسلام**.
مصباح یزدی. (۱۳۷۶). **دروس فلسفه اخلاق**. اطلاعات.
مصلایی پور یزدی عباس. (۱۴۰۱). بازخوانی ادبی آیه ۶۱ توبه با تأکید بر فراز «قُل أُذُنُ خیرٍ لَکُم» همراه با نقد ترجمه ها. **مطالعات تفسیری**.
مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳). **تفسیر مقاتل بن سلیمان**. (عبدالله محمود شحاته، پدیدآور). دار إحیاء التراث العربي.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). **تفسیر نمونه**. مدرسة الإمام علي بن أبي طالب علیه‌السلام | هدف.
واعظ زاده، محمد. (۱۳۸۸). **المعجم في فقه لغة القرآن و سرّ بلاغته**. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

سایت: https://farsi.khamenei.ir/

MacIntyre, Alasdair (2007). *After Virtue: A Study in Moral Theory*. University of Notre Dame Press, Indiana, Third edition.

Brobjer, Thomas H (2003). “Nietzsche’s Affirmative Morality: An Ethics of Virtue”, The Journal of Nietzsche Studies, Issue 26, pp. 6478-.